

# سندی درباره نخستین کاربرد واژه «ویرایش» (از مجموعه اسناد کریم امامی)

اهون عباسپور

الف) ویراسته / ویراسته کردن (سه بار):

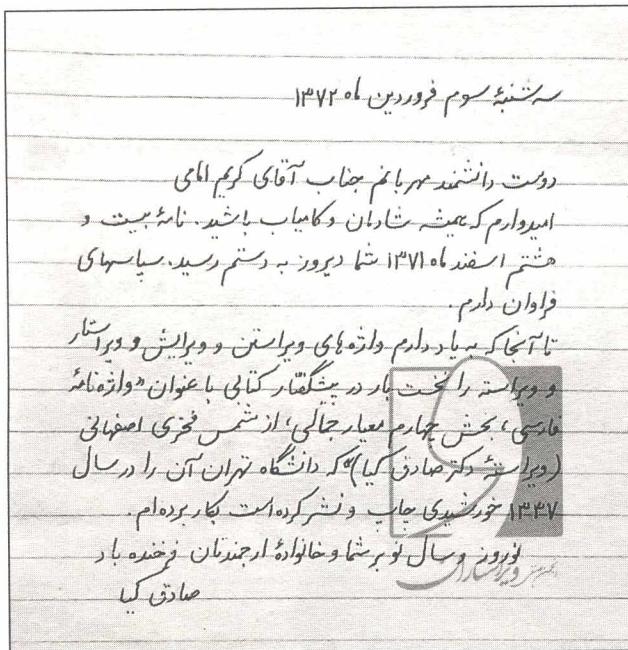
۱ و ۲. ویراسته صادق کیا (روی جلد و صفحه تکرار جلد).

۳. نخستین بار آن [= جلد چهارم معیار جمالی] را ایران شناس روس، کارل زالمان، در شهر قازان از روی یک دستنویس و به کمک فرهنگ جهانگیری، مجمع الفرس سوروی، غایاثاللغات، کتاب حلیمی، شرف‌نامه احمد منیری، لغات شهنه‌نامه عبدالقدار بغدادی، لغت نعمت‌الله، فرهنگ شعوری، سرمه سلیمانی، تحفة الاحباب، ویراسته کرد. (ص هجده)

در سال گذشته، سرکار خانم گلی امامی، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی ویراستاران، مجموعه‌ای از اسناد زنده یاد کریم امامی را به انجمن اهدا کردند و این نخستین سندی است که از آن مجموعه منتشر می‌شود. این اسناد به مرور و بعد از مطالعه و تأیید خانم امامی انتشار می‌یابد و امید است با انتشار آن هاگوشه‌های ناروشنی از تاریخ نشر و ویرایش در ایران روشن شود.

\*

همواره اولین کسی که واژه «ویرایش» را در معنای امروزی آن به کار برده و اولین متنی که این واژه در آن به کار رفته محل تردید و حدس بوده است. نگارنده این سطور نیز، مانند استاد سیروس پرهام (جهان کتاب، ش ۳۹۰، ص ۷۵) پیش از یافتن سند حاضر گمان می‌کرد که این واژه را اولین بار در سال ۱۳۴۱ یا ۱۳۴۲ دکتر محمد مقدم (مقدم) ساخته بوده است. برخی دیگر، بدون ذکر منبع، از قول دکتر میرشمس الدین ادیب سلطانی، ابداع این واژه را به دکتر احمد تقضی نسبت داده‌اند. با انتشار این نامه، بر این موضوع آگاه‌تر می‌شویم. نخست متن نامه:



ب) ویرایش (هفت بار، در شش جمله):

۱. زالمان در ویرایش خود سخنی از معیار جمالی و شمس فخری و زندگانی و سرگذشت او نگفته است. (ص هجده)
۲. در همه دستنویس‌هایی که دیده شده برای چند واژه‌ای گواه شعری نیامده. زالمان در ویرایش خود جای آن‌ها را نقطه چین کرده است. (ص هجده)
۳. اینک گزارش پنج دستنویسی که در فراهم کردن این ویرایش به کار رفته‌اند. (ص هجده)
۴. پس از این برگ نیز چند برگ دیگر (به اندازه ۸ صفحه از ویرایش زالمان) از آن افتاده است. (ص بیست و یک)

سه شنبه سوم فروردین ماه ۱۳۷۲  
دوست دانشمند مهربانم جناب آقای کریم امامی  
امیدوارم که همیشه شادمان و کامیاب باشید. نامه بیست و هشتم  
اسفند ۱۳۷۱ شما دیروز به دستم رسید. سپاس‌های فراوان دارم.  
تا آنجا که به یاد دارم، واژه‌های ویراستن و ویرایش و پیراستار و  
ویراسته را نخست بار در پیشگفتار کتابی با عنوان واژه‌نامه فارسی،  
بخش چهارم معیار جمالی، از شمس فخری اصفهانی (ویراسته دکتر  
صادق کیا) که دانشگاه تهران آن را در سال ۱۳۳۷ خورشیدی چاپ و  
نشر کرده است به کار برده‌ام.

نوروز و سال نو بر شما و خانواده ارجمندان فرخنده باد.

صادق کیا

\*

**نکته‌هایی درباره نامه:**  
در کتاب معیار جمالی، واژه‌های برشمرده، به جز «ویراستن»، فقط در مقدمه کتاب به کار رفته و هیچ یک را در پانوشت‌های کتاب و یادداشت‌های بخش واژه‌نامه‌ها و فهرست‌ها و «چند یادداشت» مؤخره کیا نیافتم. واژه‌هایی که کیا در نامه برشمرده به این صورت در مقدمه کتاب به کار رفته است (سیاه کردن حروف و ایرانیک کردن نام کتاب‌ها و افزوده‌های درون قلب از نگارنده این سطور است):

او نیز در این نامه تردید خود را با عبارت «تا آنجا که به یاد دارم» نشان داده است.

۳. در مقدمه کتاب مذکور، واژه‌های «ویرایش» و هم‌خانواده‌های آن («ویراسته» و «ویراستار») در معنای مربوط به تصحیح متون کهن به کار رفته، نه در معنای ویرایش به معنی عام امروزی آن، و این نشان می‌دهد که نوگریدن این واژه‌فارسی میانه در برابر «ادیت» و «ادیتینگ»، که در دهه ۱۳۳۰ و حتی بعد از آن نیز رایج بوده، نخست مربوط به تصحیح متون کهن بوده و رفته‌رفته به ویرایش متن‌های ترجیح‌های و سپس تالیفی توسع یافته است.

۴. کیا، در پایان سپاس‌گزاری‌های خود، در پیش‌گفتار همان کتاب، از محمد مقدم با این عبارات سپاس‌گزاری کرده است:  
«به ویژه از استاد دانشمند بزرگوار، دوست و همکار مهریان دیرین آقای دکتر محمد مقدم، استاد زبان‌شناسی در دانشگاه تهران، که همواره از همکاری و راهنمایی ایشان بخوردار بوده است سپاس‌گزاری می‌کند.» (ص بیست و چهار)

شاید از سر سخت‌گیری بتوانیم حدس بزنیم که سپاس‌گزاری کیا از مقدم به این علت بوده باشد که این کلمه را ازوگرفته ولی به هر حال خود کیابدان تصویح نکرده است. این حدسِ متقنی نیست و اثباتش نیاز به مدرک دارد.

با وجود همه این حدسهای و حدس‌های بیشتری که می‌توان زد، تا یافتن مدرک روشنگر دیگر، فعلًاً باید صادق کیا را واضح و اژه «ویرایش» و واژه‌های هم‌خانواده آن بدانیم و کتاب معیار جمالی، منتشرشده در ۱۳۳۷، را در حکم نخستین سند کاربرد این واژه‌ها بپذیریم. ■

۵. متن ویرایش ما دستنویس «ع» است (مگر جاهای که افتاده یا غلط داشته است) و در پانویس همه فرقه‌های [دستنویس] «ج» [ویرایش زالمان] و چهار دستنویس دیگر با آن آورده شده. (ص بیست و دو)

۶. ایشان [=سعید نفیسی] [ویرایش زالمان] و یک دستنویس از فن چهارم معیار جمالی را که از آن در بالای دردسترس ویراستار گذاشته‌اند. (ص بیست و دو- بیست و سه)

ج) ویراستار (سه بار):  
۱. این دستنویس [=دستنویس «ک»] از آن ویراستار و به بُرش ۱۶/۸ × ۱۲/۳ سانتی‌متر است. (ص بیست)

۲. ایشان [=هوشنگ بوزچلو] یک بار فن چهارم معیار جمالی را از روی دستنویس «ک»، که نخست ویراستار بر آن بود که آن را متن و بنیاد کار قرار دهد، رونویس کرده‌اند. (ص بیست و سه)

۳. ایشان [=سعید نفیسی] ... (شاهد ششم «ویرایش»).

حال باید چند نکته را درباره این نامه بیان کنم:

۱. روشن است که صادق کیانامه رادر پاسخ نامه‌ای از کریم امامی (مورخ ۲۸ اسفند ۱۳۷۲) نوشته که در آن از کیادرباره نخستین منبعی پرسیده که واژه ویرایش در آن به کار رفته است. کپی یا چرک نویس نامه امامی یا اشاره‌ای به آن را در میان استناد اسناد صادق کیا یافته روزی اصل نامه امامی یا تصویری از آن در میان اسناد صادق کیا یافته شود، بلکه امامی اطلاعات دیگری در این باره داشته و در نامه ذکر کرده بوده و چه بسا با یافتنش موضوع روشن تر شود.

۲. «ویراستن» را در پیش‌گفتار و در پانوشت‌های کیا نیافتم. خود

